تغییر نام ماموریت ایالات متحده آمریکا در عراق:

“مشاورین” و “مددکاران” خوش آمدید!
سه‌شنبه ۹ شهریور ۱۳۸۹ – ۳۱ اوت ۲۰۱۰

Eric Margolis
Huffington Post / Antikrieg.com
برگردان ناهید جعفرپور
در باره نویسنده” اریک مارگولیس ژورنالیست آلبانی/آمریکائی است که مقالاتش در نیویورک تایمز، تریبون بین المللی هارالد، لس آنجلس تایمز و تایمز لندن چاپ می گردند”.
آیا به واقع خروج آمریکا از عراق آغاز گردیده است؟ آیا این جنگ که تا کنون 700 میلیارد دلار را بلعیده است به پایان خود نزدیک می شود؟

رئیس جمهور باراک اوباما وعده خویش را تجدید نمود که تمامی لشکرهای جنگی ایالات متحده آمریکا را از ماه اوت 2010 از عراق خارج خواهد نمود و آنچه را که از نیروی اشغال گر باقی می ماند را تا پایان 2011 بیرون خواهد برد. اوباما در مبارزه انتخاباتی اش قول داد که تمامی ارتش آمریکا را در سال 2010 از عراق خارج سازد. اما پنتاگون توانست زمان خروج ارتش از عراق را به عقب بیاندازد.
آیا کلیه لشکرهای ارتش به خانه بازخواهند گشت؟ امیدوارم اما روی این مسئله شرط بندی نکنید. به این فکر کنید که ارتش آمریکا بعد از 6 دهه از جنگ کره هنوز در کره جنوبی مستقر می باشد.
50000 سرباز باقیمانده آمریکا (تا سال 2011) در عراق می بایست وظیفه “مشاور” و “مددکار” و یا هیئت های مبارزه با ترور و همچنین آموزش ارتش عراق را بعهده گیرند. برای من بعنوان تحلیلگرجنگی و تاریخ شناس ارتشی قدیمی این مسئله کاملا بمانند عملیات ارتش بومی در زمان افسران سفید تحت حکومت امپراطوری بریتانیا است. این ارتش آموزشی ایالات متحده آمریکا اجالتا از 6 بریگاد جنگی مسلح به سلاح سنگین با پشتیبانی هواپیماهای جنگی در پایگاه های هوائی آمریکا در منطقه خلیج دوره گشته است. یکی از بریگاد های خارج شده آمریکا از عراق در کشور همسایه عراق کویت مستقر خواهد شد و بخش بزرگ ارتش به افغانستان فرستاده می شود.

در این عقب نشینی به هیچ وجه صحبت از 85000 مزدوری که از سوی آمریکا در عراق با قرار داد بکار مشغولند صحبتی نیست.
طبق پیمان ارتشی میان آمریکا و عراق، اکنون و در آینده ایالات متحده آمریکا ازتمامی حقوق هوائی بر فراز عراق برخوردار است. تا چه مدت این قانون پا برجا خواهد بود مشخص نشده است. این مسئله با این وجود شاخص مهمی در جهت خواسته های واشنگتن بعد از اینکه برتریت هوائی اش کلید قدرت نظامی اش پیرامون کره زمین گردد، خواهد بود. هرحمله اسرائیلی به ایران به احتمال بسیار قوی از طریق حریم هوائی عراق انجام خواهد پذیرفت.
بزبان دیگر سه وحدت آمریکا (سه وحدت در تئولوگی مسیحی) از "خدا، خمپاره، نفت" تشکیل شده است. ذخایر نفتی عراق چیزی در حدود 112 میلیارد بشکه تخمین زده شده است. ذخایری که دومین ذخایر بزرگ جهان بعد از عربستان سعودی است. کانادا سومین مقام را دارا می باشد. عراق همچنین دارای ذخایر بسیار غنی گاز که از اهمیت فراوانی برخوردار است، می باشد.
قدرتمندترین کنسرن نفتی آمریکا " 7 خواهران" غالب چاه های نفتی جهان را از دست های دولت های ملی و شرکت های نفتی دولتی بیرون آورده و آنان را جایگزین شده است. صدام حسین رهبر عراق کنسرن های آمریکائی، بریتانیائی و فرانسوی را از عراق بیرون راند و بدان وسیله سرنوشت خویش را رقم زد.
بزرگترین کمپانی های نفتی در سال 2003 با حمله آمریکا به عراق وارد عراق گشته و تولید نفت و صادرات نفت از عراق را بعهده گرفتند.
ایالات متحده آمریکا خود هنوز به نفت عراق احتیاجی ندارد. اما کنترل بر نفت عراق قدرت و نفوذ آمریکا را بر وارد کنندگانی چون چین، هندوستان، ژاپن و اروپا بی اندازه می کند. کنترل بر نفت خاورمیانه همچنان نشانه رهبریت آمریکا بر جهان است.
انتظار نمی رود که ایالات متحده آمریکا از عراق بکل بیرون رود. واشنگتن بنظر می رسد به مدلی که امپراطوری بریتانیا در سال های 1920بکار برده تا نفت بلاد مابین النهرین را صاحب شوند، روی آورده است. آنهم به این صورت که در این مناطق دست نشانده های خویش را برهبریت برسان و یک ارتش بومی برای محافظت از آن ایجاد کن و برخی از لشکرهای بریتانیائی را در پایگاه هائی در صحرا مستقر کن و یک لشکرقوی هوائی برای بمباران نگهبانان شرور این منطقه که مزاحم " پاکس بریتانیکا" هستند به وجود آور تا بدینوسیله نفت ارزان را بدست آوری.
واشنگتن در بغداد سفارتخانه هائی در حال ساخت دارد که 740 ملیون

دلار هزینه برداشته اند و 800 کارمند برای آن ها کار خواهند نمود. همچنین در کابل و اسلام آباد و پاکستان (هزینه یک میلیارد) سفارت خانه هائی در طرح ساخت دارد که برای 1000 دیپلمات آمریکائی جای باز می نماید.
ایالات متحده آمریکا امیدوار است که رژیم شیعه مالکی که آنها در بغداد روی کار آورده اند، بتواند عراق را کنترل کند و این خود امکان این را به وجود آورد تا کردستان کاملا مستقل یک پشتیبان ایالات متحده آمریکا بنوعی به شکل کویت باقی بماند. البته اگر از تاریخ عراق حرکت کنیم بنظر می رسد که احتمال این کار وجود نخواهد داشت.
"آزاد سازی" آمریکائی، عراقی به لحاظ اقتصادی، سیاسی و اجتماعی تکه تکه و از هم متلاشی شده و بقول طاریق عزیز وزیر امور خارجه اسبق " کشته شده" بجای گذاشت.
جمهوری خواهان در آمریکا بشکرانه دفاع معروف جان مک کین از " گسترش نظامی" ابراز خوشحال از پیروزی در عراق نمودند. اما پشت این شایعات غلط حقیقتی تلخ و وحشتناک قرار گرفته است.
بررسی های قابل اعتماد نشان می دهند که تعداد کشته شدگان در عراق رقمی بین صدها هزار تا یک میلیون می باشد. البته 500000 کودک عراقی که در اثر تحریم های سال 2003 بیمار شده و جان خود را از دست داده اند و گزارش آنرا ناظرین سازمان ملل داده اند به این آمار اضافه نشده است.
4 میلیون عراقی سنی آواره گشته اند (قربانی پاکسازی های شیعه ها گشته اند) که نیمی از آنها در خارج بسر می برند. واشنگتن آن مبلغ میلیونی کذائی را خرج نمی کند تا به جنگجویان سنی رشوه بدهد که آنان اسلحه خویش را زمین بگذارند.
تعداد زیادی از پزشکان و دانشمندان عراقی بقتل رسیده اند. بسیاری از عراقی ها فکر می کنند که ـ البته بدون دلیل و مدرک ـ که آنها از سوی موساد اسرائیل کشته شده اند. شهرهای بزرگ توسط دیوار های کوچک تو در توی بتونی که آمریکائی ها ساخته اند کنترل می شوند و در هوای 40 درجه تنها چند ساعت برق وجود دارد. از طریق بکار گیری نوعی تسلیحات با فشنگ های " د او" بیماری های سرطانی آنچنان شایع شده است که در افغانستان شایع است.
تاسیدوس در زمان خودش در باره خرابی روم گفته بود که:" اینها همه جا را به بیابانی تبدیل می کنند و اسمش را " صلح " می گذارند".
بخاطر ترس از حمله آمریکا به ایران، دولت ایران نقش مهمی را در ضعیف شدن مقاومت بر علیه اشغال عراق توسط آمریکا بازی نمود. آنها به شبه نظامیان شیعه در عراق و ارتش مهدی دستوراتی دادند که

اسلحه را زمین بگذارند و مدت زمانی با رژیم مالکی همکاری کنند. اگر تمامی ارتش آمریکا از عراق بیرون بروند برای رژیم دست نشانده مالکی این خطر وجود دارد که سریعا برکنار بشود و احتمالا یک دولت ملی عراقی نفت را مجددا دولتی سازد و کشور مخروبه را دوباره بازسازی کند و مجددا خود را مسلح سازد و به مبارزه عربی بر علیه اسرائیل بپیوندد. یا اینکه ایران روزی بر بخش بزرگی از مناطق شیعه نشین سرشار از نفت حکومت کند. از این روی این قابل قبول نیست که واشنگتن بخواهد به یکی از این دو گزینه تن دهد.
مقاومت مسلحانه عراق بر علیه اشغال بیگانه هر چه زمان خروج ارتش آمریکا نزدیک تر می شود، ضعیف تر می گردد. شمار قربانیان آمریکا بشدت کم شده است. زیرا که سربازان ارتش آمریکا در پایگاه ها جای گرفته اند. البته این مسئله می تواند سریعا تغییر کند.
چشم انداز آینده عراق احتمالا خشونت های بسیار در بر دارد. ارتش آمریکا در عراق خواهد ماند تا کنسرن های نفتی عراق را محافظت نماید. البته به عنوان توجیح گفته می شود که آنها می خواهند " مبارزه بر علیه تروریسم کنند" اما دلیل واقعی درست بمانند افغانستان نفت است. ماده ای که همانطور که می دانیم دقیقا بعد از خدا می آید.
عراق شکست خورده را فتح کردن آسان بود اما از آن بیرون آمدن احتمالا سخت تر خواهد بود. در هر حال عراق می تواند طبیعتا بخشی از برنامه طولانی مدت واشنگتن باشد به این مفهوم که آمریکا برای خود امپراطوری در خاورمیانه بسازد.

جنگ اسرائیل بر علیه فلسطین

چهارشنبه ۲۷ مرداد ۱۳۸۹ – ۱۸ اوت ۲۰۱۰
مصاحبه با نوام چامسکی
Israeli Occupation Archive
برگردان ناهید جعفرپور
سال های اخیر برای مردم فلسطین بخصوص سال های بسیار وحشتناکی بوده است. بلوکه هائی که اسرائیل در غزه بر قرار نموده است ـ با وجود شل کردن های کوچک ـ اما همچنان با پشتیبانی مصر و سکوت تائید آمیز واشنگتن به پیش می رود. حملات اسرائیل به غزه در سال

های 2008/2009 وحشتناک ترین واقعه های جدا از هم برای مردم مناطق اشغالی از سال های 1967 ـ جنگ شش روزه ـ بوده است. برنامه شهرک ها بی وقفه همچنان ادامه دارد. با حمله به کشتی های آزادی برای غزه این اتحاد وحشتناک به خود ابعادی جدید گرفت.
در اینجا " آرشیو آکوپیشن اسرائیل" با نوام چامسکی در باره وضعیت کنونی و همچنین چشم انداز های آینده مصاحبه ای نموده است:
سئوال: " گولد استونه رپورت" (1)، کشتار موساد در ابوذبی، حمله به کشتی های غزه: تمامی این ها چهره بین المللی اسرائیل را به طور جدی خدجه دار نمود ـ در اروپا، در ترکیه و در مصر. مناسبات آمریکا/اسرائیل در کجا قرار گرفته است؟ چگونه این وقایع پروژه استراتژیک آمریکای بزرگ در خاورمیانه و نزدیک و وظایف آمریکا در عراق و افغانستان را تحت نفوذ خود قرار داد؟
چامسکی: من حمله به غزه هم به آن اضافه می کنم ـ کاملا مستقل از گولد استونه رپورت. مسئله آنچنان وحشتناک و خشونت بار پیش رفت که در مجموعه مردم تغییر نظر اساسی به وجود آورد. در رسانه ها یا درکاست سیاسی از این موضوع هیچ نشانه ای نیست. در هر حال رابطه میان دولت ها تغییر نمود ـ درست جائی که اصلا قابل انتظار نبود. واشنگتن حمله به غزه را بشدت پشتیبانی کرد و مستقیما در آن شرکت نمود. این کاملا روشن است که این حمله به لحاظ زمانی آنچنان مشخص شده بود که اوباما این جمله ریاکارانه را توانست بگوید: " تنها یک رئیس جمهور وجود دارد. به این خاطر من هیچ حرفی برای زدن ندارم". (بوش در دسامبر 2008 زمانی که حمله به غزه شروع شد انتخابات را باخت اما ظاهرا هنوز رئیس جمهور بود (اشاره مترجم)) و مطمئنا این حمله طبق نقشه خاتمه داده شد بطوری که اوباما در همان لحظه ای که ریاست جمهوری اش را آغاز نمود این موضع را نمایندگی نمود: به جلو نگاه کنیم و گذشته را فراموش نمائیم". یک موضع بسیارراحت برای شریک جنایت ها.
رسانه ها و مفسرین ـ تا آنجائی که من اطلاع دارم ـ از اینکه خود را با دلایل مرکزی جنگ درگیر کنند، خود داری می کنند: موضوع بر سر این نبود که آیا اسرائیل این حق را دارد زمانی که موشک ها پرتاب می شدند از خود دفاع کند، بلکه موضوع بر سر این بود که آیا اسرائیل این حق را دارد با خشونت این کار را کند و مطمئنا موضوع این نبود زیرا که آمریکا و اسرائیل می دانستند که راه ها و ابزار های صلح آمیز وجود دارد اما آنها از قبول این موضوع امتناع نمودند: برای مثال آنها می توانستند پیشنهاد حماس را برای آتش بس مجدد قبول کنند. حماس آتش بس را اجرا کرد با وجود اینکه اسرائیل بخشا از آن پیروی نمود. تنها همین کافی است تا ثابت کنیم که این

کار تبهکارانه بود. حوادث دیگر که شما در آغاز از آن نام بردید، در آمریکا به هیچ وجه تاثیری نگذاشت ـ البته با یک استثنا: در مجامع ارتش آمریکا و سرویس های امنیتی آمریکا شکلی از ناآرامی حکومت می کند. نگرانی از اینکه پشتیبانی از جنایت ها و آکسیون های سری اسرائیل می تواند به آکسیون های نظامی خود آنها زیان برساند.
بروسه ریدل یکی از افراد قدیمی و عالیرتبه سرویس امنیتی آمریکا می گوید:"جنرال داوید پتروئوس فرماندهی خویش را سریعا پس گرفت. همچنین دیگران هم نگرانی خویش را نشان می دهند ـ سرویس های امنیتی اسرائیل مشکل را خیلی خوب می فهمند. مایر داگان رئیس موساد به دولت اسرائیل اخطار نمود که آنها به همین دلیل روی قشری یخ نازک قرار دارند (منظور اینکه زیر پایشان سست است). این گفته رئیس موساد در واقع هنوز می تواند یک چراغ خطر باشد.
سئوال : دولت اوباما بعد از سخنرانی قاهره رئیس جمهور آمریکا در ماه جون 2009 اعلام یک ابتکارعمل صلح آمیز برای خاورمیانه و نزدیک نمود. شما در باره این مسئله چه فکر می کنید؟ چه می بایست انجام می شد و بر سر آن چه آمد؟ از کدام نقطه نظر این مسئله با سیاست دولت های سابق آمریکا تفاوت دارد؟
چامسکی: در اساس اوباما شرایط " رود مپ" را از نو مطرح نمود. مثل ممنوعیت گسترش شهرک ها ـ البته با یک چشمک (سخنگویش به رسانه ها گفت که وی در طرح خواسته ها منظوری کاملا سمبولیک داشته است. وی برخلاف بوش اگر که اسرائیل از این خواسته ها سرپیچی کند، هیچ مجازاتی برای آنها در نظر ندارد".
طبیعتا اسرائیل خواسته ها را رد نمود ـ حتی چندین بار علنی و یا سرپوشیده ـ اینکه جرج میتچل را بعنوان واسطه انتخاب نمودند تا حدودی عاقلانه بود. بله با انتخاب وی اوباما همزمان روشن نمود که وی به طورجدی دنبال یک راه حل سیاسی نیست. از این بابت هم دست های میتچل بسته بود. من درآن زمان در این باره نوشتم (2) و اینجا دیگر تکرار نمی کنم.
سئوال: متحدین عربی آمریکا هنوز هم خود را به روند صلح لیگای عربی متعهد می دانند. آیا یک چنین راه حلی ـ راه حل دو کشور با توجه به مرزهای 1967 ـ با منافع آمریکا در منطقه جوردرمی آید؟ اگر بله چه چیزی مانع آمریکا می شود که فشار به اسرائیل نیاورد بجای اینکه مرتبا تنها از صلح صحبت کند؟
چامسکی: ابتکارعمل عربی منطق بین المللی قدیمی را تکرار می کند و یک قدم از آن جلو تر می رود. به این صورت که نرمال شدن مناسبات را فرامی خواند. عملا تمامی جهان این ابتکار عمل را پذیرفت ـ حتی

ایران هم پذیرفت ـ اینکه آیا با منافع آمریکا خوانائی دارد؟ بستگی به این دارد که منافع آمریکا چگونه تفسیر شود. ما باید در مجموع به این توجه کنیم که منطق "منافع ملی" موضوعی کاملا عرفانی است. در میان یک ملت برخی علائق وجود دارد که از سوی همه گفته می شود: مثلا هیچکسی نمی خواهد که توسط بمب اتم کشته شود. اما در بسیاری از تم ها علائق بشدت از هم متفاوت می شوند و با هم فرق دارند. علائق یک مدیر با علائق زنی که اطاق کار آن مدیر را تمیز می کند متفاوت است. علائق جامعه مسیحی های صیهونیست و متحدین آنها با علائق من یا شما بشدت متفاوت است.
به هیچ وجه در این مورد اختلافی نیست که واژه " علائق ملی" بطور گسترده متفاوت از علائق کسانی است که اقتصاد بومی را کنترل می کنند. این مسئله اثبات شده قدمتش به اندازه آدام اسمیت است و از آن زمان تا کنون بعنوان مسئله ای درست ثابت شده است. این آدمها با سیستم احیا شده آمریکا کاملا راضی اند. چیزی که به رسانه ها ربط پیدا می کند بمانند وال استریت ژورنال است که از عملکردهای اسرائیل بیشتر از همه دفاع می کند. درهر حال این ژورنال به جهان تجارت تعلق دارد. با وجود اینکه یهودی های آمریکائی در مرحله نخست دمکرات ها را انتخاب می کنند و به لحاظ مالی آنان را پشتیبانی می کنند. اما با این وجود جمهوری خواهان زمانی که موضوع توجیح عملکردهای اسرائیل باشد هنوز افراطی تر از دمکرات ها می باشند. جمهوری خواهان به جهان تجارت نزدیک ترند. صنایع هایتچ با نقطه مقابل اسرائیلی اش در رابطه تنگاتنگ قرار دارد و این چنین سرمایه گذاری ها خوش و خرم همچنان جریان می یابند.
برای صنایع نظامی اسرائیل خوشبختی ای دوبرابر است. آنها کالاهای مدرن تسلیحاتی به اسرائیل می فروشند (بشکرانه مالیات پردازان آمریکائی) ـ مسئله ای که عربستان سعودی و شیخ نشین ها را وادار می کند تا دریائی از تسلیحات (البته کمتر مدرن) را از آنان بخرند. بدین طریق آنها کمک می کنند تا دلار نفت برای اجناس بنجلشان پرداخته شود و آنها منفعتشان را ببرند. رابط تنگاتنگ امنیتی تا سال های 50 عقب می رود. آنطور که پیداست در آمریکا نیروهای همطراز آنها وجود ندارد که بتوانند واشنگتن را مجبورنمایند تا در باره این تم به آراء جهانی بپیوندد. جنبشی مردمی وجود دارد که مسائل را طور دیگری می بیند. بله در حال حاضر این جنبش بسیار ضعیف و بسیار کم متحدند که بتوانند توازن قوا را تغییر دهند. از این روی این باید بالا ترین وظیفه ما باشد.
سئوال: فاش شدن اخیر تلاش های نتانجاهو که به آمریکا حقه بزند و " روند اسلو" را بشکست بکشاند بما نشان داد که به هیچ وجه موضوع بر

سر این نیست که وی عشق به روند صلح ندارد بلکه موضوع این است که ناتانجاهو عاشقانه دست به هر کاری میزند تا این روند را متوقف سازد. بنظر شما اسرائیل تا چه حد می تواند مخالف موضع علنی آمریکا حرکت کند؟ و آیا واشنگتن شهامت کافی دارد که آکسیون های بعدی اسرائیل را که هدف دارند جلوی "روند صلح" را بگیرند، متوقف سازد؟

چامسکی: تا کنون نشانه ای از این نیست که واشنگتن خواهان این مسئله باشد و یا اینکه یک نیروی اساسی بتواند آمریکا را وادار کند که روش خود را تغییر دهد.

سئوال: برنامه شهرک سازی ناتانجاهو باعث شد که مقامات اداری فلسطینی مذاکرات خویش را با اسرائیل متوقف نماید. فلسطینی اکنون در وضعیتی اجباری قرار گرفته اند: یعنی اینکه با چیزی کم تر از توقف شهرک سازی ها خود را راضی کرده اند. به این معنی که آنها در حالیکه اسرائیل آینده شان را نابود می سازد اما با این وجود با اسرائیل هنوز مذاکره می کنند. اگر مذاکره با اسرائیلی ها را رد کنند، اسرائیل می تواند خیلی راحت همچنان آینده آنها را از بین ببرد. با توجه به موضع یکدنده ناتانجاهو رهبریت فعلی و یا آتی فلسطین چه کاری باید بکند تا خود را از این وضعیت آزاد کند و جنبش مردم فلسطین چگونه می تواند رهبریتش را به راه درست راهنمائی کند؟

چامسکی: اسرائیل و پشتیبانش آمریکا بی شک برایشان بد نیست اگر که رهبریت فلسطین خود را با مذاکرات بی پایان سرگرم نماید در حالیکه کار استعماری مشخص همچنان ادامه دارد – این همان عملکرد سنتی صیهونیسم از صد ها سال پیش است.

بله برای رهبریت فلسطین گزینه دیگری باقی می ماند و تا درجه ای مشخص این گزینه را آنها می پذیرند: آنها شهرک های یهودی نشین را بایکوت می کنند. آنها در تظاهرات های مسالمت آمیز بلین شیخ جراح و دیگر مکان ها شرکت می کنند. آنها نقشه می کشند و می سازند (حتی اگر در حصار شماره س که تحت کنترل کامل اسرائیل است) و برنامه های دیگر……

آنها مجددا هر آنچه که ساخته بودند و اسرائیل منهدم نموده است، می سازند. آنها در مقابل برنامه ای که برای تکه تکه کردن نوار غربی و غزه توسط آمریکا/اسرائیل از زمان اسلو به وجود آمده است، خواهند ایستاد. آنها درباره امکانات متفاوت فکر می کنند که چگونه بتوانند فراکسیون های با هم دشمن را مجددا دور یک میز بنشانند. آنها مورد خویش را به صحنه بین المللی می کشانند و قبل از همه این کار را در آمریکا می کنند. زیرا که آمریکائی ها تا زمان

نامشخص همچنان نقش تعیین کننده را بازی می کنند.
این آخرین نکته ما را در اینجا یعنی در آمریکا به سمت یک سئوال تعیین کننده می کشاند. این نه حق و نه وظیفه ماست که به رهبریت فلسطین درس بدهیم که چه باید بکند. این مسئله را خود فلسطینی ها باید در باره اش تصمیم بگیرند. از سوی دیگر مطمئنا در مسئولیت ما قرار دارد که در این باره تعیین تکلیف کنیم که ما چه باید بکنیم. این خیلی مهم است. که افکار عمومی آمریکائی را مطلع ساخت و سازماندهی کرد و نیروهای مردمی را توسعه داد. برای اینکه آنها قوی تر از تنها تصویر های تبلیغاتی بشوند. تصویرهائی که هر سیاستمدارآمریکائی بتواند بساز خودش برقصاند تا بدان وسیله حقوق فلسطینی ها را مدفون نماید. شعاع وظایف ما گسترده است. مثال های کوچک ذکر شده در بالا این گستردگی را نشان می دهند. این بحث ها در میان مردم آمریکا مطرح نشده و آنها برای آن تفاهم نشان نداده اند. تنها در جمع های کوچک برای آن تفاهم نشان داده شده است. حتی این تز بیهوده و غلط که گویا آمریکائی ها " واسطه ای درستکار" هستند که مایوسانه تلاش می کنند دو جریان مقابل هم را روی یک میز بکشانند، هر روزه (از سوی رسانه ها و..) منتشر و تبلیغ می شود – و کاملا هیچکس به آن اعتراضی نمی کند.
بجای آن آمریکائی ها تعریف و تمجید می کنند که آنها " صحبت های نزدیک کننده" میان ناتانجاهو و عباس براه انداخته اند. ما برنامه میتن را فراموش کرده ایم که درواقع قرار بود که یک مقام مستقل " صحبت های نزدیک کننده" میان آمریکا و بقیه جهان را در جریان بیاندازد – در باره تم " حقایق مقدماتی" که برای آمریکا و بخش بزرگ غرب عملا قابل فهم نیست – . دقیقا همین در باره برخی از تم های خاص هم صادق است. تصور کنید تنها همین حمله به غزه. خیلی کم آدم هائی هستند که این را درک می کنند که موضوع بر سر یک حمله آمریکائی/اسرائیلی است. بعلاوه یک حقیقت بسیار بسیار مهم در این رابطه برای هیچکس قابل قبول نیست: در مرحله نخست موضوع بر سر حمله و یا بر سر تک تک جنایت های در فاصله این عملیات نظامی نیست. موضوع بر سر این است که کسانی این حق را بخود می دهند که خشونت بکار برند. همانطور که گفته شد واقعیت این است حق نداشتند خشونت بکار بگیرند. عملا تمامی تفسیر ها دور این نکته محوری دایره ای می بندند. حتی بررسی های سازمان های حقوق بشری هم عملا به آمریکا/اسرائیل جواز می دهند. نقد ها تنها محدود می شوند به پاورقی این جنایت بزرگ.
از این زاویه و اززوایای دیگر وظایف بزرگی برای انجام دادن وجود دارد: اگر که ما بخواهیم سیاست آمریکا تغییر کند باید اطلاعات و

سازماندهی را جدی بگیریم. باید آکسیونهائی که روی اهداف کوتاه مدت متمرکزند. مثل از بین بردن مقر های خشونت بار و تبهکارانه درغزه و یا خراب کردن دیوار جدائی نامشروع و....
نیروهای نظامی اسرائیلی باید به جائی کشانده شوند که از بلندی های گولان و از نوار غربی و همچنین از بیت المقدس گسترش داده شده که بطور نامشروع اشغال شده بیرون بروند. سپس به احتمال قوی بسیاری از شهرک نشینان یهودی و همه آنها ئی که بطور نامشروع با کمک سرمایه گذاری های بسیار زیاد در بیت المقدس شرقی و بیت المقدس گسترش داده شده مستقر گشته اند، بیرون خواهند رفت. همانطوری که اسرائیل در سال 1967 اقرار نمود. طبیعتا به هرگونه ساخت شهرک ها و دیگر فعالیت ها در مناطق اشغالی خاتمه داده خواهد شد. جنبش مردمی در آمریکا باید روی این مسئله کار کند که آمریکا خود را از تمامی این فعالیت های تبهکارانه بیرون بکشد. چیزی که در اساس به مفهوم توقف معنی می دهد. این شدنی است. البته تنها زمانی که یک برنامه عمومی شکل بگیرد که بسیار بیشتر از آنچه که امروز شاهدش هستیم پیش روی کند. این وظیفه در مقایسه با وظایفی که جنبش مردم در گذشته غالبا با نوعی پیروزی انجام داده است،اصلا مشکل نیست. در اساس موضوع این است که متحدا روی این مسئله تاکید کنیم که ما باید طبق قوانین خودمان و قوانین بین المللی عمل نمائیم.
در بیانیه استقلال آمریکا آمده است: "ما می پذیریم که به عقاید انسانی با احترام متناسب آن برخورد شود". این بند بیانیه به هیچ وجه یک شهادت رادیکال نیست. شهادتی که نتوان به افکار عمومی رساند. حتی اگر که به اندازه کافی تلاش شده باشد. هنوز مسائل دیگری وجود دارند که باید برای آن تلاش کرد. یکی از این مسائل شرایط تاسف آور آوارگان فلسطینی است. بیشتر از همه آوارگان فلسطینی در لبنان. این شرایط را تغییر دادن مسئله ای عاجل است. البته در این مسئله ما فضای عمل زیادی نداریم. درهرحال وظایف کوتاه مدت ما کم نیستند.
سئوال: شما در باره تلاش های کنونی برای خاتمه دادن به اشغال نظامی چگونه فکر می کنید ـ در آمریکا و در سطوح بین المللی؟ در باره بایکوت و تحریم ها علیه اسرائیل نظر شما چیست؟ موضع شما در باره بایکوت و تحریم اسرائیل در تضاد با برخی از فعالان ضد اشغال بود. آیا در این فاصله نظر شما تغییر نموده است؟ آیا این بایکوت و تحریم بیشتر برای اروپاست و آمریکاست؟ انسانهائی که ضد اشغال هستند باید چه استراتژی ها و تاکتیک هائی را بر علیه اشغال نظامی دنبال نمایند؟

چامسکی: به عقیده من مهمترین وظایف همان وظایفی هستند که در بالا به آن اشاره نمودم. این مسئله هم در باره اروپا و هم آمریکا صادق است. دراروپا هم هنوز جمع هائی هستند که تصوراتی غیر واقعی دارند. برای رسیدن به این اهداف تاکتیک ها و استراتژی های بسیاری وجود دارد. که می توان در اشکال متفاوت " آکسیون های مستقیم" بیان شوند. به این آکسیون های مستقیم می توان بایکوت و تحریم هم اضافه نمود. اما اینها هنوز بخشی از گزینه های ممکن می باشند. من تنها یکی از این گزینه ها را نام می برم: تظاهرات در مراکز اصلی کنسرن ها – از همه مهمتر کنسرن هائی که در کشورهای بسیاری عملکرد دارند. این گونه آکسیون ها برخا موثر بوده اند. امکانات بسیاری وجود دارد که در طی سال ها فعالیت آزمایش شده اند.
آنچه که به " ب د س" یعنی بایکوت و تحریم اسرائیل بر می گردد در این باره موضع من از زمانی که فعال هستم تغییری نکرده است. من یادم نمی آید که تا کنون من به این نظریه حمله کرده باشم. – البته از موارد مشخص باید گذشت. مواردی که ناروشن بودند و قابل فهم نبودند – تحریم و بایکوت تنها یک تاکتیک است درست بمانند سایر تاکتیک ها موضوعی اعتقادی نیست بله تنها یکی ازتاکتیک های بیشمارست و دقیقا درست بمانند تمامی تاکتیک های دیگر باید در اینجا معیار ها و ضوابط آن را شناخت بخصوص اگر که این بایکوت و تحریم در شرایط خاص به اجرا در آید. معیار تعیین کننده در واقع پیامدهای مورد انتظار برای قربانی است. کسانی که در فعالیت های ضد جنگ در رابطه با جنگ هندوچین درگیر بودند – بطور جدی درگیر – بخاطر می آورند که ویتنامی ها بشدت بر علیه تاکتیک وترمن حرکت نمودند. این تاکتیک قابل فهم بود زمانی که آدم آن کارهای وحشتناک را می دید. اما مطمئنا تاکتیک غلطی بود. زیرا که این تاکتیک پشتیبانی از ترور دولتی را به شیوه ای قابل تصورتقویت نمود. ویتنامی ها به تاکتیک های غیر خشونتی دست یازیدند. از جمله این تاکتیک ها باعث شد تا افکار عمومی روشن شود و اپوزیسیون های مردمی بر علیه جنگ قوی بشوند.
برای آنها این مهم نبود که آیا تظاهرکنندگان از اینکه کاری کرده اند احساس خوبی داشتند. درست همینطور هم باز تکرار می شود اگرکه موضوع بر سر بایکوت و تحریم باشد.
برخی از تلاش های برای تغییر بشدت سازنده بودند. آنها به روشنگری افکار عمومی کمک نمودند – و این باید همواره در مرحله نخست باشد – و هزینه شرکت در جنایت های اخیر خاورمیانه را بالا ببرد. مثال خوب در این باره بایکوت اجناس از شهرک های یهودی نشین است و یا بایکوت کنسرن های آمریکائی که در خدمت اشغال قرار دارند. آکسیون

هائی از این نوع باعث هزینه هائی می شوند و کمک می کنند تا انسانها در اینجا در محل مطلع بشوند. این باعث می شود که انسانها برخیزند و این هدف باید هدف نخست باشد: ما (آمریکا) نقش مهمی را در این جنایت ها بازی می کنیم. این آن چیزی است که ما باید روی آن تاثیر بگذاریم. البته خوب این است که بسیارجلوتر برویم. این چنین می توانیم برای مثال فراخوان سازمان عفو بین الملل را امضا کنیم که خواهان این است که همه کمک های نظامی برای اسرائیل حذف گردند. زیرا که بگفته این سازمان این کمک ها بر خلاف حقوق و قوانین بین المللی و حقوق و قوانین امریکا است. متاسفانه ابتکار عمل های دیگری که بسیار بد فرموله شده اند هم وجود دارند. ابتکار عمل هائی که هم اکنون تندرویان در دستشان با آن بازی می کنند. طبیعتا آنها از یک چنین ابتکارهائی استقبال می کنند. بار دیگر می گویم: مثال های بسیاری وجود دارد. که می توان اجرا نمود. تجربیات بسیاری هم وجود دارند که حداقل باید قادر باشیم از این تجربیات درس بگیریم و بفهمیم که چرا پیامد ها اینقدر متفاوت خواهند بود.
اگر می خواهیم تاکتیکی را اجرا کنیم باید کاملا دقیق آنرا امتحان کنیم. برخی اوقات این مسئله بعنوان " فقدان منطق" نامیده می شود. این اشتباهی سخت و دادن آوانس به تندروان است ـ که از خشونت و فشار پشتیبانی نمود. تصمیمات تاکتیکی تاثیرات مستقیم بر انسانها دارند. تاکتیکی را مورد آزمایش قرار دادن غالبا وظیفه ای سخت و دشوار است. انسانهای عاقل برخا می توانند تصمیمات متفاوت بگیرند. این منطق که تاکتیک ها را چک کنیم که آیا به قربانی ها کمک می کند و یا رد تاکتیک هائی که به قربانی ها ضرر می زند اصلا نباید موردی برای دعوا باشد. آنهم دقیقا میان انسانهائی که مسئله شان فلسطینی هاست. و اینکه انسانها می توانند برخی موارد بر سر موضوعی که نظرات متفاوت دارند، به توافق برسند هم نباید موردی برای دعوا باشد. موضوع بر سر این است که به هدف مشترک رسید و به قربانیان کمک نمود.
سئوال: در خاتمه فلسطینی های در نوار اشغالی غربی و نوار غزه چه چشم اندازهائی دارند؟
چامسکی: یکی از چشم انداز ها را در بالا در باره اش صحبت کردم. (عقب نشینی نیروهای نظامی از مناطق اشغالی. خاتمه دادن به بلوکه کردن غزه و عدم تلاش برای جدانمودن غزه از نوار غربی و ...). احتمالا این خود تعبیری از منطق بین المللی ـ راه حل دو کشور ـ است. شاید با در نظر گرفتن آن مسئله که در سال 2001 در تابای مصر رخ داد (اسرائیل مذاکرات را در تابا قبل از پایان ترک نمود). و یا با در نظر گرفتن پیمان سال 2003 ژنو که تقریبا از سوی تمامی

جهان مورد استقبال قرار گرفت. اما از سوی اسرائیل رد شد و آمریکا با آن با بی اعتنائی برخورد نمود.
در باره بدیل راه حل دوکشور زیاد بحث می شود. این شکل تغییر می گوید:" کلید مناطق اشغالی را به اسرائیل تحویل بدهید و سپس جنبش برای حقوق شهروندی و جنبش ضد نژاد پرستی در تمامی فلسطین را استارت بزنید. اما هیچ دلیلی وجود ندارد که باور کنیم آمریکا یا اسرائیل اصولا این کلید را تحویل بگیرند. آنها بدیل های خود را دارند. یعنی اینکه همچنان با پشتیبانی آمریکا برنامه اش را به پیش برد. برنامه ای که می گوید: هر چیزی که در مناطق اشغالی ارزش دارد با خود برد و فلسطینی ها را بلوک ها تاریک و خیس و بد به جای گذاشت. در اساس برنامه همان برنامه شارون است:
Olmert-"Konvergenz"-(Plan) 2006
دقیقا سال ها قبل اشخاصی از صنایع اسرائیلی این پند را داده بودند که قدمهای سیاسی باید کاملا در خدمت رفتن از سیاست استعماری و رسیدن به سیاست نواستعماری باشد.
تا به امروز اسرائیل بیش از 40% نوار غربی را قصب نموده است و نوار غربی را از غزه ایزوله کرده است. در تمامی این عملکردها آمریکا به لحاظ نظامی و اقتصادی و ایدئولوژی و دیپلماسی برای اسرائیل پشتیبانی تعیین کننده بوده است.
توضیح مترجم:
اطلاعات در باره جنبش زیر زمینی رادیکال ویترمن در آمریکا اواخر سال های 69 و اوائل سال های 70 را در آدرس زیر بگیرید:
http://de.wikipedia.org/wiki/weathermen
لینک 1 تا 3 را در اصل مقاله که انگلیسی است ببینید
آدرس مقاله اصلی به انگلیسی:
?l: Israel's War Against Palestine – Now What
برگردان به آلمانی:
Andrea Noll

دبیرکل سازمان ملل خواستار

تسریع در کمکرسانی به سیل‌زدگان پاکستان شد

دوشنبه ۲۵ مرداد ۱۳۸۹ – ۱۶ اوت ۲۰۱۰

به گزارش رادیو فردا، دبیر کل سازمان ملل متحد که برای دیدار از مناطق سیل زده در پاکستان به این کشور سفر کرده است، روز یکشنبه از کشورهای جهان خواست تا در کمکرسانی به ۲۰ میلیون انسان آسیب‌دیده از سیل پاکستان سرعت به خرج دهند.

بان‌گی‌مون، دبیر کل سازمان ملل متحد، در دیدارهای خود با مقام های پاکستان و سفر به مناطق آسیب‌زده ایالت پنجاب، خواستار ۴۶۰ میلیون دلار کمک جهانی برای کمکرسانی اولیه و فوری به آسیب‌دیدگان شد و تأکید کرد که بازسازی دوباره روستاها، و احیای تجارت و کشاورزی آسیب‌دیده پاکستان در بلند مدت، میلیاردها دلار هزینه در بر خواهد داشت.

وی خاطرنشان کرد که در این هفته گزارش کامل این دیدار را به دیوان عالی سازمان ملل متحد ارائه داده و تمام تلاش خود را برای تأمین نیازهای ضروری این کشور به کار خواهد برد.

مقامات سازمان ملل ضمن گلایه از عدم واکنش سریع جامعه جهانی برای کمکرسانی به سیل‌زدگان پاکستان، هشدار داده‌اند که با گذشت دو هفته از آغاز جاری شدن سیل در پاکستان، موج دوم مرگ و میر ناشی از بیماری‌ها در راه است.

به گفته این سازمان، تا کنون یک مورد ابتلا به وبا در مینگورا، واقع در شمال غرب منطقه سوات گزارش شده است و علاوه بر این در حال حاضر دست‌کم ۳۶ هزار نفر از اسهال شدید رنج می‌برند.

همچنین گزارش‌ها حاکی از آن است که روز یکشنبه، پنج کودک در شمال غرب پاکستان به دلیل سوء تغذیه جان باخته‌اند.

به گفته سازمان ملل، در حال حاضر شش تا هفت میلیون نفر در پاکستان نیازمند کمک‌های اولیه نظیر سرپناه، آب آشامیدنی، خوراک، بهداشت و مراقبت‌های درمانی هستند.

یوسف رضا گیلانی، نخست وزیر پاکستان، پیش از این چندین بار از جوامع بین‌المللی برای کمک رسانی به مناطق سیل زده درخواست کمک کرده است.

تا کنون کشورهای بریتانیا، چین، استرالیا، فرانسه و ایالات متحده ده‌ها میلیون دلار بودجه برای کمکرسانی به سیل زدگان پاکستان اختصاص داده‌اند.

کشور اردن هم روز یکشنبه از ارسال ۳.۵ تن مواد غذایی و لوازم پزشکی به پاکستان خبر داد.
سیل ناشی از بارش‌های شدید موسمی که از بیش از دو هفته پیش از دو سو، هند و افغانستان، به سمت پاکستان جاری شده با در بر گرفتن مسافتی به شعاع ۱۰۰۰ کیلومتر، به ویژه به سه ایالت سند، پنجاب و خیبر پختونخواه خسارت وارد کرده است.
این سیل تا کنون به کشته شدن ۱۶۰۰ نفر انجامیده است و به گفته سازمان ملل و مقام های پاکستان، ۲۰ میلیون نفر در جریان این سیل آسیب دیده‌اند.

چهارمین سوسیال فوروم آمریکا آغاز گشت

شنبه ۲۳ مرداد ۱۳۸۹ – ۱۴ اوت ۲۰۱۰

Steffen Lehnert, Montevideo
amerika21.de
برگردان ناهید جعفرپور
شرکت گسترده: تظاهرات در روز بازگشائی فوروم
Asunción: در روزچهارشنبه در حالیکه آفتاب می درخشید سوسیال فوروم آمریکائی در مرکز پارگوئه شهر آسونسیون آغاز گشت. تا روز یکشنبه 15000 نفر از 500 سازمان در این تجمع بزرگ گرد هم می آیند تا در باره تجربه ها و مبارزاتشان با یکدیگر بحث و تبادل نظر نمایند.
برای بازگشائی فوروم بیش از 10000 نفر از هفت کیلومتری محل فوروم به راه افتادند و از مرکز شهر عبور نموده و در خاتمه به محلی که قرار بود این کنفرانس بین المللی صورت پذیرد گرد هم آمده تا خود را برای جشن بازگشائی آماده نمایند. در این تظاهرات رنگین کمانی اتحادیه های سرخپوستان، سازمان های زنان، اتحادیه های کارگری و فعالین جنبش بی زمینان شرکت داشتند.
در زمان بازگشائی فوروم و همچنین در کنفرانس مطبوعاتی آغاز فوروم ریگوبرتا منچو برنده جایزه نوبل صلح از گواتمالا شرکت داشت و بنام

سازماندهان فوروم به شرکت کنندگان خوش آمد گفت و اشاره نمود که وی خود را بخشی از این جنبش می داند.
از مسائل سیاسی روز که در محور بحث های فوروم قرار داشت بحث بحران کلمبیا و کودتا در هندوراس در پایان ماه جون 2009 بود.
منچوبعد ازصحبت های رئیس جمهور چاوز با رئیس جمهور ساندورنگرانی اش رفع شد. وی با نگاهی به اوضاع هندوراس عقیده داشت که:"ما تلاش می کنیم تا این موضوع در آمریکا دیگر اتفاق نیافتد".
همزمان منچو خود در زمان دیکتاتور گواتمالا رنج کشیده بود و پدر و مادرش را بخاطر همبستگی با جنبس مقاومت هندوراس از دست داده بود.
تا روز یکشنبه شرکت کنندگان در بیش از 350 سمینار و کنفرانس در باره تم هائی چون پروسه تغییر سیاسی، امپریالیسم و نظامی گری، خودمختاری در تهیه مواد غذائی، اطلاعات و ارتباطات و فرهنگ و عدالت اجتماعی و...به بحث و گفتگو می پردازند.
نقطه اوج این بحث ها در روز شنبه در یک کنفرانس عمومی انجام می گیرد که در آن روئسای جمهور بولیوی و پاراگوئه افو مورالس و فرناندو لوگو شرکت خواهند نمود.

روپائی دیگر ضروری است

جمعه ۱۱ تیر ۱۳۸۹ – ۲ ژوئیه ۲۰۱۰

گزارش از استانبول

جمع آوری و ترجمه ناهید جعفرپور

ششمین سوسیال فوروم قاره اروپا در استانبول گشایش یافت. بحث و تبادل نظر تا یکشنبه
در استانبول روز پنجشنبه ششمین سوسیال فوروم اروپا آغاز بکار نمود. طبق اطلاعات سازماندهان در حدود 10000 نفر در این مجمع بزرگ شرکت خواهند نمود. در حدود 100 سمینار در مدت این چهار روز در باره بحران قروضی و حقوق زنان، مبارزات بیکاران، مشکل زیست محیطی و بسیاری از مسائل مهم کنونی جهان بحث و گفتگو خواهند نمود.
امسال به لحاظ بحران مالی کنونی شعار سوسیال فوروم که قبلا " اروپائی دیگر ممکن است" بود به " اروپائی دیگر ضروری است" تبدیل شده است. به هنگام تدارک این مجمع بزرگ سازماندهان با مشکلات

سازماندهی فراوانی دست و پنجه نرم نمودند. سازماندهان فوروم در استانبول بر خلاف فوروم های در فلورنس(2002) و پاریس(2003)و لندن (2004) و مالمو(2008) به هیچ وجه پشتیبانی از سوی ادارات دولتی که تحت تاثیر محافظه کاران اسلامی حزب دولتی ترکیه می باشند،دریافت ننمودند.
در این مجمع بزرگ اتحادیه های کارگری بیشماری شرکت دارند و همچنین سازمانهای کردی بسیاری در این کنفرانس نمایندگی می شوند.
در شمال شرقی ترکیه در حال حاضر دومین سوسیال فوروم کشورهای بین النهرین تدارک دیده می شود و امسال در دیاربکر برگزار می گردد.
بازگشائی فوروم چهارشنبه شب اجرا گردید و در این شب ظلم و ستمی که به ملت کرد در ترکیه می شود کاملا قابل لمس بود. دولت البته در ظاهر از دیالوگ و باز بودن و… صحبت می کند اما در واقعیت با عملیات نظامی سیاست خودش را هم خراب می سازد.ا خواهانند.
کردهای ترکیه خواهان دمکراسی و صلح و برسمیت شمردن حقوقشان می باشند.
در محور فعالیت های فوروم کاروان بین المللی زنان از طریق کشورهای بالکان چشم گیر بود. کاروانی که روز سه شنبه به استانبول وارد شد.
روز چهار شنبه در کنگره زنان درست قبل از بازگشائی فوروم در باره وضعیت زنان و بخصوص زیر ضرب رفتن حقوق زنان تحت تاثیر تعدیل های اجتماعی که در حال حاضر در غالب کشور ها بر اثر فشار دولت آلمان برقرار می گردد، بحث و گفتگو گردید.
از کشور آلمان هیئت های بیشماری از جمله اعضای جوان اتحادیه های کارگری " د گ ب" و اتحادیه کارگری فلزکاران شرکت نموده اند و سمینار هائی را در باره سیاست دستمزدی اروپائی برگزار می نمایند.
همچنین بنیاد رزا لوگزامبورگ در فوروم نمایندگی می شود و بحث هائی را در باره سیاست حمل و نقل، خصوصی سازی آب و اکوسوسیالیسم ارائه می دهند.
در سوسیال فوروم استانبول در باره چشم اندازهای مقاومت بر علیه انهدام خدمات اجتماعی در اتحادیه اروپا بحث و گفتگو می گردد.
در کنگره زنان در باره تم های بسیاری بحث و تبادل نظر شد از جمله اینکه شرایط برای زنان امروز بسیار بد تر از گذشته شده است.
بسیاری از تلاش های زنان در شاید 50 سال گذشته در این فاصله دچار تهدیدات جدی قرار گرفته اند. چه حقوق اقتصادی کارگران زن و چه دستمزد ها برای مثال و چه حق سقط جنین در زمان حضور مجامع بنیادگرا و ناسیونالیستی دچار خطر های جدی است.
گفته شد که راست گرائی و نژاد پرستی و بنیادگرائی نه تنها در

اروپا هم در حال رشد است بلکه در کشورهای آمریکای لاتین و سایر کشور های جهان هم حقوق زنان را ذیر ضرب برده اند. حملات به فعالان زنان با بحران مالی حاضر شدت گرفته است. زیرا که رابطه بنیادی میان سرمایه داری و پدرسالاری وجود دارد. سرمایه داری از ساختارهای پدرسالاری استفاده می کند. زنان در اصل برای کار برابر کمتر از مردان مزد دریافت می کنند و تحت شرایط کنونی تحت استثمار بیشتر قرار دارند. زنان در بسیاری از کشورها اولین کسانی هستند که شغل خویش را از دست می دهند. در کشوری چون ترکیه مردانی که از مزد بالا برخوردارند اخراج می شوند و زنان با مزد اندک و شرایط کاری بسیار سخت بر جای آنها باقی می مانند.

در ششمین سوسیال فوروم اروپا پیشنهادات بسیاری برای حرکت های مشترک بر علیه بحران مالی کنونی و انهدام خدمات اجتماعی به فوروم ارائه شده است. مثلا پیشنهاد مارش در ماه اکتبر در بروکسل. همچنین مدتهاست که در باره این طرح بحث و گفتگو می شود که یک هفته آکسیون در اروپا اعلام گردد که در این هفته اقدامات مبارزاتی بیشماری انجام پذیرد. فعلا از چون و چرای آن اطلاعات کافی در دست نیست. همچنین تلاش می شود که آکسیون های مبارزاتی محلی بر گزار شود. در باره تمامی این آکسیون ها در فوروم بحث و گفتگو خواهد شد و در خاتمه در کنفرانس جنبش های اجتماعی اعلام خواهد شد.

.

میز گرد با دو تن از فعالان تظاهرات اعتراضی به کنفرانس گ ۲۰ در تورنتو

چهارشنبه ۹ تیر ۱۳۸۹ – ۳۰ ژوئن ۲۰۱۰

مصاحبه گر: آمی گودمن
برگردان: ناهید جعفرپور
گرانترین کنفرانس سران در تاریخ تا کنونی کانادا

در باره آمی گودمن: آمی مجری برنامه رادیو تلویزیونی: !Democracy Now
است. این برنامه تلویزیونی در حدود ۵۰۰ ایستگاه در سرتاسر شمال آمریکا دارد و روزانه و ۲۴ ساعته اخبار بین المللی را پخش می نماید.

رهبران این جهان در کنفرانس سران همدیگر را ملاقات می کنند. اقدامات امنیتی آنچنان بزرگ است که این نشست بعنوان گرانترین نشست تاریخ تاکنونی کانادا به حساب می آید. طبق تخمین در حدود ۱۹۰۰۰ نیروی امنیتی یعنی 5 بار بیشتر از کنفرانس سران در سال ۲۰۰۹ پیتزبورگ از این کنفرانس محافظت می نمایند. این اقدامات برای دولت کانادا در حدود یک میلیارد دلار هزینه داشته است و برخی می گویند که مجموعه هزینه ها به بیش از ۲ میلیارد دلار خواهد رسید.
مهمانان برنامه: جان کلارکه موئسس اتحادیه بر علیه فقر در اونتاریو: Ontario Coalition Against Poverty)
و شارمن خان سخنگوی شبکه: Toronto Community Mobilization Network’

آمی: ما از تورنتو کانادا گزارش می دهیم. رهبران جهان همدیگر را ملاقات می کنند تا کنفرانس گ ۸ و بهتر بگوئیم گ ۲۰ را برگزار نمایند. اقدامات امنیتی بیسابقه است. در میان روئسای دولت ها که امروز کنفرانس گ۸ را در شهر کوچک هونتزویله برگزار می کنند، رئیس جمهور اوباما هم حضور دارد. سپس آنها همه به تورنتو خواهند رفت و در روز یکشنبه کنفرانس گ ۲۰ را آغاز خواهند نمود.
بزرگی گروه های پلیس در مرکزشهر این تصور را قوت می بخشد که با یک شهر پلیسی روبرو هستیم. همه جا پلیس ها مستقرند ده ها ایستگاه کنترلی ” چک پوینت” در شهر برقرار شده است. بیش از ۱۹۰۰۰ پلیس در شهر مستقرند. نیروهای امنیتی با تسلیحاتی که ایجاد سرو صدا و وحشت می نمایند و همچنین ماشین های آب پاش و دیگر تسلیحات مجهز می باشند و قصد دارند با این تجهیزات تظاهرات را خاموش سازنند. امروز باید قاضی کانادائی در باره تقاضائی تصمیم گیری کند که توسط آن بکار گیری توپ های ایجاد وحشت را ممنوع می سازد.
هزاران تظاهرکننده روزانه دست به تظاهرات خواهند زد. موضوع بر سر دایره ای گسترده از تم های متفاوت است. تم هائی چون عدالت، جنگ، محیط زیست و حقوق سرخپوستان
ما امروز با دو مهمان مصاحبه داریم. شارمن خان و جان کلارکه که هر

دو با سازمانهایشان از سازماندهان تظاهرات ضد نشست سران گ ۲۰ در تورنتومی باشند.
آمی: به برنامه ما خوش آمدید!
جان کلارکه: مرسی
آمی: شارمن خان ما برنامه را با شما آغاز می کنیم. شما در باره اقدامات امنیتی که در تورنتو صورت پذیرفته چه فکر می کنید؟ این مسئله برای شما چه مفهومی دارد و چگونه این اقدامات باید روی اعتراضات تاثیر بگذارد؟
شارمن خان: خوب. ما خودمان را در ماه های گذشته برای این اقدامات امنیتی آماده نمودیم. چنین ماه قبل از تدارکات کنفرانس گ۸ و گ۲۰ ما از سوی پلیس مورد سئوال قرار گرفتیم. ما از رسانه ها و همچنین از خود پلیس از تسلیحاتی که آنها به خیابانها می آورند، آگاه شدیم. بنابراین این مسئله ای پوشیده نبود.
این پرسش که چه چیزی روی کار سازماندهی تاثیر می گذارد؟ خوب باید بگویم ابعاد بالای ایجاد وحشت توسط پلیس است. آنهم قبل از اینکه هفته تدارکات آغاز گردد پلیس ها و نیروهای امنیتی نزد فعالین و سازمانها رفته و آنها را مورد بازجوئی قرار داده و از فعالیت های آنان پرس و جو نمودند. من دو بار در محل کارم با پلیس سر و کار داشتم و ….
آمی: منظورتان چیست؟
شارمن خان: پلیس دوبار به محل کار من آمد و می خواست بداند که ما چه برنامه هائی برای تجهیز بر علیه کنفرانس گ ۲۰ داریم؟
آمی: من می خواهم از جان سئوال کنم برای چی مردم اینجا جمع شده اند. آیا آنها می خواهند بر علیه گ۸ و گ۲۰ تظاهرات کنند؟
جان کلارکه: خوب. ما بر این واقعیت آگاهی داریم که کنفرانس سران گ ۲۰ به کنفرانس سران گ ۶ در سال ۱۹۷۵ برمی گردد.
آمی: لطفا توضیح دهید منظورتان چیست؟
جان کلارکه: خوب. کنفرانس گ۶ در سال ۱۹۷۵ در اصل اولین نشست قدرتمندان و رهبران امپریالیستی جهان بود.
آمی: گروه گ۶ ؟
جان کلارکه: این گروه در آنزمان وقتی تشکیل شد که جهان در یک بحران اقتصادی فرو رفته بود و آنها تلاش نمودند اقتصاد جهان را بر بستر یک برنامه نئولیبرالی از نو سازماندهی نمایند و آنهم از طریق تعدیل های بسیار شدید و اقدامات صرفه جویانه برای مردم. بدین طریق می بایست مجددا امتیازات فراوان " سال های زیبا" ی بعد از جنگ باز گردد. بنابراین از آن زمان تا به امروز چیزی در این نظر تغییر نکرده است.

نشست کنونی نشستی دیگر از همان قماش با شکلی گسترده تر است. این گروه اکنون از ۲۰ کشور تشکیل شده است. من فکر می کنم که در اساس آنها این وظیفه را دارند که روند تعدیل ها و اقدامات صرفه جویانه را شدید تر نمایند. آنها با تعدیل هزینه های دولت و کمک به بانک ها و کنسرن ها در اساس تنها به سیستمشان ثبات دادند. آنها بیلیون ها دلار را داده اند و حال تلاش می کنند این هزینه را تامین نمایند. صندوق بین المللی پول صحبت از 20 سال اقدامات صرفه جویانه می کند.
این گونه نشست ها همیشه چیزی افتضاح اند و باید محکوم گردند. باید هر بار بر علیه آنها برخواست. بله من فکر می کنم این نشست در تورنتو بطور عجیبی تعیین کننده است.
آمی: تفاوت گ۸ و گ۲۰ در کجاست؟
جان کلارکه: در اساس تنها چند کشور اقتصادی دیگر جهان به این جمع اضافه گردید. کشورهای اقتصادی بزرگ که غالبا از کشورهای به اصطلاح " جهان سوم" هستند. من فکر می کنم که موضوع بر سر این است که شراکتی میان کشورهای سنتی امپریالیسم و برگزیدگان کشورهای اقتصاد بالای " جهان سوم" به وجود آورند.
من فکر نمی کنم که این نشست ها برای "دمکراتیزه شدن" برپا می شوند. کاملا برعکس این پیشرفت ها بیانگر استراتژی های ضد دمکراتیک است.
آمی: این بندرت اتفاق می افتد که آنها این چنین جمعی نشست بگذارند. درست است شارمن خان؟
شارمن خان: بله. من فکر می کنم که در نشست گ ۸ طرح ریزی می شود و این تصمیمات طراحی شده در نشست گ ۲۰ مفهوم بیشتری می گیرند. البته نشست گ ۲۰ کاملا جدید است. آنها در ابتدا چهار بار همدیگر را ملاقات نمودند. من فکر می کنم نشست امسال نمودار برای برشی از زمان است: از هم اکنون این ۲۰ کشور و یا بهتر بگویم رهبران این ۲۰ کشور تلاش می کنند نشست های مرتب داشته باشند و بعنوان کنترل کننده مردم جهان فعالیت نمایند.
آمی: شما قبلا گفتید که پلیس دوبار به محل کار شما آمد. آنها از شما چه می خواستند؟
شارمن خان: خوب آنها به دو ملاقات که ما سازماندهی نموده بودیم آمدند. برای آنها بسیار مهم بود که بدانند ما چه سازماندهی برای کنفرانس گ۸ و گ۲۰ خواهیم کرد. بعلاوه آنها می خواستند از فعالانی که در آن اطاق جلسه داشتند بپرسند که آنها مشغول چه کاری هستند و چه نقشه ای دارند. آنها محترمانه سئوال می نمودند و ما هم از صحبت با آنان تمرد نمودیم، بشکلی … این خود در هر آکسیونی

استراتژی آنهاست: آنها می آیند در مراسم متفاوت و سعی می کنند اطلاعات جمع کنند و صحبت از اشتراکات جدید می کنند تا بدین وسیله از نظرات فعالین و طرح های آنان برای سازماندهی آگاه شوند.
آمی: جان کلارکه ما در باره مجموع هزینه ای که برای این کنفرانس خرج شده است صحبت می کنیم و در باره این که در حال حاضر در تورنتو چه می گذرد. شما به سازمانی تعلق دارید که با تم فقر خود را مشغول می کند. نظر شما چیست؟
جان کلارکه: درست است. آنها یک میلیارد دلار برای امنیت نشست خرج کردند. آنهم در زمانی که اقدامات صرفه جویانه در شهر اون تاریو بسیار تاثیرات تعیین کننده داشته است. در وضع بودجه جدید شهر، دولت اصطلاحا " چیز های خاص" را از بودجه کم نمود. موضوع بر سر برنامه خدمات برای تغذیه مردم بی بنیه که مواجب زندگی را از دولت دریافت می نمایند بود. که این برنامه ۲۰۰ میلیون دلار در سال هزینه بر می دارد. حالا این برنامه را حذف کرده اند. ما باید حساب کنیم این هزینه ای را که این ها برای امنیت این نشست پرداخته اند برای 5 سال کمک هزینه به تغذیه مردم فقیر این شهرکافی است. همواره می توان ازمثال های فراوان دیگر برای این روند تهوآور نام برد…
آمی: در باره تصمیماتی که در نشست گ ۸ و گ ۲۰ گرفته می شود و آن تصمیماتی که به کانادا ربط پیدا می کنند و همچنین طبیعتا به همه کشورهای دیگر جهان ربط پیدا می کند، صحبت نمائید.
جان کلارکه: خوب. ما اینجا با کسانی سرو کار داریم که برای تمامی جهان تصمیم می گیرند. آنها یک استراتژی را توسعه خواهند داد که توسط آن ساختار اقتصاد جهان را به نازل ترین شکلش تغییر دهند. طبیعتا تحت رهبریت آمریکا. در این رابطه مهم است که دانست موضوع بر سر یک روند انتزاعی و مجرد نیست. انتظار می رود که دولت های سرتاسر جهان به این تصمیمات که در نشست گ۲۰ گرفته می شود عمل کنند. از آنها خواسته می شود که اقدامات صرفه جویانه را در کشورهای خود پیاده کنند. ما دیدیم که در یونان چه گذشت. ما دیدیم که چه در بریتانیای کبیر گذشت. بودجه این کشور دقیقا در همین زمان تعیین گشت. تعدیل ها وحشتناک هستند. یک چنین چیزی در ۴۰ سال گذشته رخ نداده است. من فکر می کنم ما شاهد یک فاز غیر باور کردنی صرفه جوئی خواهیم بود. تنها باید امیدوار باشیم که ما هم در فاز یک مقاومت غیر قابل باور حرکت کنیم. باید حتما این مسئله را گفت.
آمی: شارمن خان گروه شما سازمان مادر بسیاری از گروه های دیگر است. گروه هائی که در اعتراضات شرکت دارند. لطفا به ما در باره

دایره گسترده تم های این انسانها و سازمانها توضیحاتی بدهید؟
شارمن خان: خوب. به این جمع اتحادیه های کارگری و سازمانها و منفردینی که سازمانی ندارند اضافه می شوند. آنها همه در مقابل گ۸ و گ۲۰ تجهیز شده اند. کار سازمانی ما بر تم های مشخصی متمرکز است که ما در برنامه کاری خود پخش نموده ایم. از جمله تم هائی که انسانها باید در باره اش نگران باشند برای مثال از تم خودمختاری سرخپوستان، ضد فقر، عدالت اجتماعی، مهاجرین و یا پایان دادن به جنگ و تم های زیست محیطی و... این همه تم هائی هستند که ما باور داریم نشست گ۸ و گ ۲۰ تاثیرات بزرگی بر آنها خواهد گذاشت. شبکه ما بسیار گسترده است. امیدوارم که بعد از پایان نشست گ۸ و گ۲۰ همواره ادامه داشته باشد. این شبکه ای بسیار زنده است.
من باید اضافه کنم که ما آکسیونی را سازماندهی نمی کنیم بلکه ما از همه سئوال کردیم و فراخوان برای روزی فعال را دادیم. برای مثال گروه های کاری به وجود آوریم یا تجمع هائی را سازماندهی نمائیم. شبکه ما یک مرکزیت دارد. ما از بچه ها نگهداری می کنیم و آکسیون ها را به لحاظ لوژیستیکی هماهنگی می نمائیم.
آمی: چه تعداد انسان شما را در این اعتراضات همراهی می کنند؟
شارمن خان: مشکل است که دقیقا بگویم. من فکر می کنم هر روز ... دیروز ما ۲۲۰۰ نفر را در خیابان بسیج کردیم. در شبکه در حدود ۱۵۰ تا ۲۰۰ نفر فعالند.
آمی: جان کلارکه چه آکسیونهائی را در طرح دارید؟
جان کلارکه: ما تمامی انرژی مان را در آکسیون امروز صرف می کنیم. ما برای عدالت مبارزه می کنیم و در یک پارک مرکز شهر تجمع می نماویم و سپس از میان مرکز شهر به راه می افتیم. ما با پلیس در این باره و مسیر راهمان صحبت نکردیم و بنابراین نمیدانیم چه پیش خواهد آمد و آنها چه عکس العملی نشان خواهند داد.
تجمع مرکزی امشب در یک چادر بزرگ بنا شده در شهرمی باشد. ما سعی خواهیم نمود مکانی را در شهر اشغال کنیم و چادرمان را بر پا کنیم. این چادر باید محلی برای همبستگی با بی خانه مانان و جائی برای خالی کردن خشممان باشد. گذشته از تمامی آن انسانهائی که رانده می شوند و قربانی این سیستم هستند. قربانی برنامه گ۲۰. این شب و این محل محلی پرقدرت و مهم خواهد بود.
همانطور که گفته شد سئوال این است که ادامه راه چه خواهد بود؟ ما نمی خواهیم تنها بر علیه نشست به اعتراض بپردازیم بلکه ما همچنین بر علیه کلیه حملات اعتراض می کنیم. ما بر علیه کلیه سیستم اقتصادی اعتراض می کنیم. از این روی مبارزه امروز از اهمیت فراوان برخوردار است.

آمی: برگردیم به تم جنگ. دیروز ما به تورنتو آمدیم. من خبری کوتاه به نام سربازی دیدم که که فکر می کنم نامش جیمز مک نیل است و در افغانستان کشته شده است و این خبر همواره تکرار می شد.
جان کلارکه: بله درست است. مثالی بزرگ برای بازی سرنوشت. در زمان کار تدارکات برای اینجا و زمان کار با رسانه ها برای مثال – روی این سئوال متمرکز شدیم که آیا همه چیز صلح آمیز پیش خواهد رفت یا نه؟ آیا کسی سنگی به پنجره ای خواهد زد؟ آیا تعدادی با پلیس درگیر خواهند شد؟ بلکه این ها همه تم های کوچکی هستند در مقایسه با ابعاد خشونتی که در محتوای برنامه نشست وجود دارد. بله موضوع بر سر تنها اقدامات صرفه جویانه توسط مردم است تا بدان وسیله آنها (قدرت های جهان) به اهدافشان برسند. آنها از هرگونه خشونت نظامی برای رسیدن به خواستشان استفاده می کنند.
بله ما به اعتقاد من بر علیه یک مسئله ای بسیار شرورانه و وحشتناک مبارزه می کنیم.